

مصاحبه‌ای با گروهی از دانشجویان

این مصاحبه در بعدازظهر روز ۱۳۵۹/۴/۵ - با استاد انجام شده است لازم به تذکر است که استاد در صبح همان روز مصاحبه ای در همین زمینه به طور مشروح با خبرنگار کیهان داشته اند که تاکنون در کیهان چاپ نشده است از این رو اقدام به چاپ این مصاحبه نمودیم تا از این طریق نقطه نظرهای استاد تهرانی را راجع به مهمترین مسائل سیاسی اجتماعی میهنمان به اطلاع مردم برسانیم از کلیه جراید کشور درخواست می‌کنیم که اگر واقعاً سانسور بر آنها حاکم نیست این مصاحبه را چاپ کنند تا حقایق به اطلاع هم میهنان عزیزمان برسد.

مقدمه‌ای بر چاپ دوم:

به نام خدا: « رحم الله امرأ رأی حقاً فاعان علیه او رأی جوراً قرده و کان عوناً بالحق علی صاحبه » خداوند بیامرزد کسی را که چون حق را دید به آن کمک کند [برخلاف آن سخن نگفته قدم برندارد] یا ستمی را دید از آن جلوگیری کند و به زیان ستمگر مددکار ستمدیده باشد. آنچه در پیش رو دارید متن مصاحبه استاد علی تهرانی پیرامون مسائل مهم سیاسی اجتماعی میهنمان می‌باشد با توجه به جوی که اکنون بر غالب مطبوعات کشورمان حاکم شده و جز یک جریان خاص هیچکس حق اظهار نظر و حتی دفاع از خود را در آنها ندارد. ما دانشجویان مسلمان بر آن شدید تا با استفاده از امکانات ناچیزمان به چاپ نظرات استاد پیرامون مهمترین مسائل سیاسی اجتماعی روز پرداخته و از این طریق مردم مبارز میهنمان را در جریان نظرات استاد قرار دهیم تا در شرایطی که بنام اسلام عزیز حق و عدالت را مورد هجوم و حمله قرار می‌دهند و کمتر کسی شهامت دفاع از حق را دارا می‌باشد، صدای حق طلبانه استاد را به ویژه درباره سازمان مجاهدین خلق [که بسیاری از عاقبت‌طلبان دیروز و انقلابیون امروز آن‌ها را مورد انواع اتهامات قرار داده‌اند و دیگران هم در این مورد سکوت در پیش گرفته اند] به گوش خلق قهرمان برسانیم. گروهی از دانشجویان مسلمان تاریخ ۱۳۵۹/۵/۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم

سؤال: نظر شما راجع به اینکه سازمان مجاهدین التقاطی است یا نه یا اینکه مباحث ایدئولوژیک‌اش را از مطالب مارکسیستی گرفته یا نه، چیست؟

ج: ببینید من صبح عرض کردم [اشاره به مصاحبه خبرنگار کیهان با ایشان که صبح همین روز انجام شده] که من خودم مقاله‌ای درباره مفهوم نگرش التقاطی نوشتم و چاپ شده، التقاط از لقطه است به معنای برداشت و برچیدن. معنا و مفهومش از نظر کسی که استعمال کرده و این استعمال هم جدید است چند نفری آن را استعمال کرده اند که ظاهراً اولش آقای بنی‌صدر استعمال کرده، مقصودشان این است که یک مکتبی ارایه داده اند یک ایدئولوژی و یک تئوری اسلامی ارایه دادند که مقداری اش از اسلام است و مقداری از غیر اسلام است این مطلب به این‌ها انحصار ندارد همین روحانیت هم التقاطی است همین قانون اساسی هم التقاطی است و در آن مقاله من مفصل مثال‌هایی ذکر کردم شما توجه کنید که این نمی‌شود که دو چیز نقیض هر دو از اسلام باشند. فتاوی آقایان هم که در رساله‌هایشان هست یکی می‌گوید نجس است و یکی می‌گوید پاک است این امکان ندارد که چیزی هم پاک باشد و هم نجس قهراً یکی از این‌ها غیر اسلام است و همچنین این که یکی می‌گوید خدا جسم است یکی می‌گوید خدا مجرد است نمی‌شود که خدا العیاذبالله هم جسم باشد و هم مجرد یکی از این‌ها حتماً التقاطی است و به اسلام بسته شده است این صحبت کردن من نمی‌شود که هم بطور جبر باشد هم بطور تفویض و هم امر بین الامرین حتماً یکی از این‌ها اسلامی است و بقیه اش التقاطی. پس مفهوم التقاطی به معنای اشاره شده، انحصار به آن‌ها ندارد.

توجه کنید یک وقت ممکن است کسی واقعاً بگوید این چیزها از اسلام نیست می‌دانند و به اسلام می‌بندند که نام چنین شخصی را التقاطی نمی‌گذارند. بدعت‌گذار می‌گویند که در اسلام بدعت گذارده آمده چیز غیر اسلامی را داخل مکتب اسلام کرده به چنین کسی التقاطی نمی‌گویند بلکه بدعت‌گذار می‌گویند ولی التقاط آن است که تمامی فکرش را اسلامی می‌داند به عقیده خودش آنچه که پیش اوست، تئوری اسلامی است تئوری عقاید و افکار اسلامی است ولی چون نمی‌داند بعضی از آن مطالب را از غیر اسلامی‌ها گرفته و در کنار مطالب اسلامی چیده و گمان می‌کند اسلامی است و در واقع امر اسلامی نیست. این است معنای التقاطی به اصطلاح مذکور حالا شما ببینید بگویید که سازمان مجاهدین خلق عمداً آنچه را که می‌داند اسلامی نیست وارد اسلام کرده‌اند این دروغ است بلکه این است که اشتباهاً چیزی را که بررسی اسلامی کرده‌اند در آن اشتباه کرده‌اند و چیزهای غیر اسلامی را بنام اسلام جستند این مسلماً اینطوری است نه برای این‌ها بلکه برای دیگران هم همینطور است. این فالانژها همین‌هایی که فعلاً روی کارند به نظر من افکار التقاطی و افکار غیر اسلامی‌شان که به اسلام نسبت می‌دهند خیلی بیشتر است به نظر من که یک فردی هستم که ۳۸ سال در مکتب اسلامی مطالعه کرده و زحمت کشیده‌ام ۲۰ سال در فلسفه اسلامی زحمت کشیده‌ام می‌بینم که در افکار آن‌ها هم آن تئوری که آنها ارائه دادند برای فکر اسلامی خیلی التقاط هست از دیگر مکتب‌ها هست همین قانون اساسی که شما به آن عمل می‌کنید، التقاطی است انتخابات در اسلام نیست در مدینه فاضله در اسلام ادله و روایات آن‌را ذکر کردم که سبک حکومت اسلامی چطوری است؟ و این سبک را که می‌بینید حاکمیت ملت، حاکمیت الله است به این معنا که در قانون اساسی شما هست در اسلام نیست یا خیلی چیزهای دیگر مثلاً مالیات به این شکل در اسلام نیست آنچه هست خمس و زکات است جزیه و خراج اراضی خراجیه و چه و چه است البته حکومت اسلامی کمبودی برای مخارج عمومی و مصالح جمعی باشد می‌تواند بطور عادلانه بگیرد این قانون اساسی مقداری از آن از غرب گرفته شده انتخابات آن، مالیات‌های آن و خیلی قوانین دیگر البته بواسطه قانون اساسی مشروطه پس التقاط به این معنا که می‌خواهیم تئوری اسلامی بدهیم ولی در اثر اشتباهاتمون از مطالب غیر اسلامی در آن وارد کردیم همه دارند مسلماً این رساله‌ای که این فتوا را دارد با رساله دیگری که نقیض آن‌را می‌گوید یکی از آن‌ها اشتباه کرده و افکار غیر اسلامی را بنام اسلام بسته پس از این جهت مسلماً اشتباهاتی دارند و اشتباهاتشان این است که گمان کردند که فرضاً معنای ربا در اسلام این است و این که فلان معامله نباید باشد چون ربوی است و حال آن‌که خبر ربا در اسلام معنای دیگری است و این‌ها اشتباه کرده‌اند که آن‌را به اسلام نسبت داده‌اند نه آنکه در اسلام بدعت گذاشته‌اند. آن‌ها گمان می‌کنند که اسلامی است ولی در واقع امر نیست. از این طرف می‌بینیم که معاملات صوری که رهبر انقلاب آن‌را نفی کرده که چک و سفته بازی و... به دنبال دارد ولی همه رساله‌ها تجویز کرده‌اند و همه مراجع فعلی امضایش می‌کنند و می‌گویند اسلامی است به نظر ما التقاطی است و اسلامی نیست پس التقاطی بودن از طرفین است.

س: سؤال دوم من این بود که آیا سرانجام مجاهدین و کارهایی را که انجام می‌دهند موجب رشد کمونیسم می‌شود یا خیر؟

ج: نه، اشتباه می‌کنند این طور نیست ابداً موجب رشد کمونیسم نیستند بلکه بلاشک کارهای فالانژها موجب رشد کمونیسم است بلاشک همیشه ما دیده‌ایم اعراض از مکتب حق و اقبال به مکاتب باطل بر اثر اختناق و فشار و زورگوئی و بی‌برهانی و بی‌منطقی بوده و این فالانژها امروز بی‌نطقند و با زبان چماق کار می‌کنند این‌ها دارند مردم را گروه گروه از اسلام می‌رانند، ببینید چه نامه‌هایی اخیراً برای من می‌آید که گروه گروه از دین اسلام خارج می‌شوند و به طرف کمونیسم و سایر مکتب‌ها می‌روند در این نامه‌ها می‌گویند اگر اسلام این است ما اسلام را نمی‌خواهیم اسلام ظالم، متجاوز، هتاک و انحصارگر و اسلامی که همه چیز ملت را برای خودش می‌خواهد این

اسلام را اصلاً نمی‌خواهیم این فالانژها هستند که دارند مردم را دسته دسته به سمت کمونیسم و بی‌دینی سوق می‌دهند نه مجاهدین.

س: آیا بطور کلی و در نقش کار، فروش نشریات سازمان مجاهدین بوسیله خواهرها درست یا خیر؟
ج: نه، به عده‌ای از مادرهای شهدا مثل مادر رضایی‌ها که از تهران آمده بودند در همین اتاق برایشان صحبت کردم و گفتم که این کار را نکنید چون از آن، این امر انتزاع میشود که شما دارید ناموستان را ولو برای مکتب درستتان رشوه می‌دهید این در اسلام نبوده و در آغاز و ابتدای اسلام هم نبوده و من نهی می‌کنم و الان هم اعلان می‌کنم و چندین بار هم گفتم که این کار بسیار نادرست است و اگر افرادی می‌ترسند که جوان‌هاشان را بزنند به پیرزن‌ها بدهند که منتشر کنند نه به زن‌های جوان و این کار حرامی است که می‌کنند.

س: نظر شما درباره رادیو تلویزیون چیست؟ و آن درخواست‌های بحث آزاد که می‌کنند آیا از جای موثقی است و از طرف فرد مسئولی است یا خیر؟

ج: من خبر دارم بهتون عرض میکنم علاوه بر مصاحبه‌ها و بررسی‌هایی که شده بنده خبر دارم خبر خصوصی این خبر درست است که آقای بنی‌صدر، فردی را در رادیو تلویزیون تعیین کرده ولی آن فرد هیچ کاری در آنجا ازش بر نمی‌آید تنها رادیو تلویزیون در دست چند نفر است که آن‌ها هم به چند نفر از سران حزب جمهوری اسلامی [نه همه آنها] همان بهشتی، رفسنجانی و خامنه‌ای وابسته است و چند نفری هم مثل معادیخواه و دیگران هم تقریباً مباشرت در این کار دارند این‌ها هستند که این هیاهوهای نادرست و دروغ راه، راه انداخته اند در رادیو تلویزیون نخیر به بنی‌صدر مربوط نیست و آن نماینده بنی‌صدر هیچ‌کاره است استعفا هم کرده [فراچی] کنار رفته هیچ کاری هم از وی بر نمی‌آید خود فراچی هم گفت این چند نفر عاملین این سران فالانژ هستند که در آنجا این فسادها را میکنند و این دروغ‌ها را می‌گویند. این‌ها دروغ می‌گویند اصلاً غرض و مقصودشان این است که [به بنده هم بعضی‌ها رساندند این مطلب را که] بله غرض ما این است که این را اعلان کنیم که بیایند و بعد هم این‌ها رجوع کنند به رادیو و رادیو بگویند دروغ است و نیست ولی این که دروغ است که دیگر به مردم نمی‌رسد بلکه در سطح وسیع پخش می‌شود که اینها را خواسته اند برای مناظره ایدئولوژی‌ای و آن‌ها هم نیامده‌اند و این تمام شده توی روزنامه‌هایشان نوشته بودند که بله کارشان دیگر تمام شد معلوم میشود و این‌ها چیزی نداشتند و گرنه می‌آمدند مناظره می‌کردند که مردم را از این‌ها اعراض بدهند که البته این را هم کور خوانده‌اند و انحرافی می‌روند چراکه بالاخره این مطلب به مردم میرسد و بالاخره این‌ها هم در جراید و سخنرانی‌ها و انجمن‌هاشان منتشر می‌کنند و در سطح خیلی وسیع می‌گویند که شما دروغ می‌گویید و بدتر آبرویشان می‌رود و بدتر به اسلام ضربه می‌زنند و چهره اسلام را دروغگو معرفی می‌کنند.

س: شما در فرمایشتان گفتید که یک عده از افراد انجمن ضد بهائیت هستند که سه نفر آقایان بهشتی رفسنجانی خامنه‌ای را جلو می‌اندازند؟

ج: نه نه نه این سه نفری که عرض کردم و چند نفر دیگر یعنی سران حزب جمهوری اسلامی که سه نفر بالاتر از همه‌شان هستند اینها چون دیدند انقلابی‌ها با آنها نیامدند چون در آغاز اینها می‌خواستند با انقلابی‌ها حرکت کنند ولی چون این‌ها انحصارگری می‌خواستند و قدرت طلب بودند و دیدند که آن‌ها همراهشان نیستند، متحد شدند با ارتجاع این‌ها مرتجعند و با این‌ها وابسته‌اند. اینها کسانی بودند که سابقاً از نظام طاغوتی حمایت می‌کردند و انقلاب را می‌کوبیدند آن‌ها [منظور سران حزب] به خاطر اینکه کمک داشته باشند و بتوانند به هدف خودشان که انحصارگری است برسند با این‌ها متحد شدند که انقلابیون را کنار بزنند بنده این را عرض کردم نه این که این‌ها آن سه نفر را انداخته باشند جلو بلکه برعکس آن‌ها این‌ها را بکار گرفتند و آلت دست و حامی خود قرار دادند و برای این که انقلابی‌ها را کنار بزنند با خودشان متحد کردند.

س: پس سئوالم را اصلاح می‌کنم شما صبح گفتید که این دو جبهه با هم متحد شدند امام را از خطر چپ می‌ترسانند و وقایع ۲۸ مرداد ۳۲- را بیاد امام می‌آورند.

ج: هم از چپ می‌ترسانند و هم وقایع ۲۸ مرداد را به نظرشان می‌آورند و می‌گویند این همان قصه مصدق و کاشانی است این‌ها روحانیت را می‌خواهند کنار بگذارند و بنی‌صدر هم نمی‌تواند کارش را ادامه بدهد بنابراین امریکایی‌ها می‌آیند و اینجا را می‌گیرند این‌ها خدمت امام این حرف‌ها را می‌زنند.

س: بعد نتیجه گیری می‌کنند که امام می‌آید و یک فردی مثل آقای بهشتی را در رأس قوه قضائیه می‌گذارد؟
ج: عرض کردم تنها این کار نیست همه کارهای مملکت اگر همین بود که خوب بود همه کارها در اختیار آن‌هاست در همه کارها دخالت می‌کنند.

س: این مطلب را من برای چند نفر قبلاً گفته بودم گفته بودند که چطور امام در زمان شاه چه در نجف و چه در پاریس هیچ‌گاه سازش نکردند و یا حتی زمانی که در پاریس بودند خیلی‌ها امام را به سازش دعوت می‌کردند و یا حتی موقعی که می‌خواستند به ایران بیایند بسیاری به ایشان می‌گفتند که صلاح نیست شما نیاید ولی امام هیچ‌گاه فریب آن‌ان را نخورده و سازش نکردند ولی چطور شد که الان؟
ج: الان هم سازش نکردند الان هم سازش نکردند.

س: نه می‌خواهم بگویم که امام آن موقع روی نظرش ماند که هیچ موقع اشتباه نکرد.
ج: اینکه می‌گویید امام در هیچ چیز اشتباه نکرد دروغ است ایشان در امر مبارزه با طاغوت کردن اشتباه نکرد جنبه مبارزه با دیکتاتوری و طاغوتی ایشان قوی است از همان طفولیت ایشان و حتی رفقای ایشان در حوزه علمیه قم می‌گویند آن زمان با حاج شیخ عبدالکریم هم می‌گرفتند این جنبه صراحت اسلامی و مقابله با طاغوت ایشان از ابتدا هم بود ولی اینکه در هیچ چیز اشتباه نکرده خوب بنده نمی‌خواهم این را نفی کنم که آن زمان هم در نظام طاغوتی در بعضی از جزئیات گاهی اشتباه شده و حتی نسبت به بعضی‌ها که باید سرکوب شود ایشان تأیید کرده بنده نمی‌خواهم... اینها ربطی به کارهای الان ندارد... سابق بود که ما به ایشان گلایه هم می‌کردیم... مقصودم این است که تنها در این جهت ایشان استقامت و صراحت داشته ولی در اینکه اشتباه نکرده اینطور نیست ایشان که معصوم نیست بدانید معصوم هم به حسب عوامل ظاهری عمل میکند لذا گاهی می‌بینید که آن فرمانداری که امیرمومنان علیه السلام تعیین کرده خلاف درآمده آن عامل زکاتی که تعیین کرده دزد در می‌آید و اموال مردم را چپاول می‌کند یا آن شخص را که برای مزدداری تعیین کرده، مرز را باز می‌گذارد و دشمن هم می‌ریزد و مردم را غارت می‌کند این نمونه‌ها در زمان امیرمومنان هم اتفاق افتاده ما نگفتیم ایشان معصوم است که اشتباه نمی‌کند الان هم بدانید ایشان سازش نمی‌کند الان فاسق نیست العیاذبالله و سازش نمی‌کند فقط این مطلب هست که عرق دینی در ایشان قوی است و از همین عرق دینی است که اینها با این تفصیلات با این شیطنت‌گری‌هایی که می‌کنند، او را تحریک می‌کنند و برجیزه‌هایی و ادار می‌نمایند که واقعاً برای این مرحله از انقلاب خطرناک است و الان تمام وجود ما می‌لرزد که مبادا خدای نکرده صحبت دیروزشان به خونریزی‌های بیشتری منجر بشود. پس جواب شما این شد که امام در سابق هم در مقابله با دیکتاتوری هیچ اشتباهی نکرد و هیچ‌گاه هم سازش نکرده نه سابق نه حالا ما الان هم نمی‌گوییم سازش کرده ما می‌گوییم که عرق دینی ایشان در دست این‌ها است و این‌ها ایشان را از چیزهایی که به زیان دین است و به زیان استقلال مملکت است می‌ترسانند و ایشان قهراً روش‌های این‌ها را انتخاب می‌کند و این‌ها را تأیید می‌نماید که البته اخیراً هم ایشان شخص این‌ها را تأیید نمی‌کند ولی موضوع دیگری است که لازم است ما در اینجا تذکر بدهیم و آن این است که توجه کنید می‌خواهم شاهد بیاورم نگاه کنید به اعلامیه‌ها و نوارهای گذشته امام نگاه کنید به کتاب نهضت ایشان که قریب به هزار صفحه است و ببینید ایشان چقدر به روحانیت تاخته،

که در یک جا می‌گوید چکار می‌کنید شما ۱۵۰ هزار نفر هستید شما چکار می‌کنید پای بسته به طاغوتید؟ در یکجا می‌گوید این روشنفکران شروع کرده‌اند به چیز نوشتن شما چکار می‌کنید اگر می‌ترسید صدتاتون بنویسید یک چیزی به من بدهید تا منتشر کنم... امام خمینی اینها را می‌گوید در یکجا می‌گوید اولین کار ما تصفیه روحانیت فاسد است که این روحانیتی که حوزه [حتی می‌گوید حوزه] مساجد و مواضع دینی را گرفته‌اند ما ابتدا اینها را تصفیه می‌کنیم تا بشود طاغوت‌زدایی کرد در یک جا خطاب به اینها آخر چرا اینقدر با کسانی که قلم بدست گرفته و دارند با ظلم مبارزه می‌کنند شما چرا با اینها مبارزه می‌کنید؟ با این دانشگاهیان و با این روشنفکران چرا مبارزه می‌کنید لاقلاً از آینده خودتان بترسید، تو که وزیر نمی‌شوی [عین عبارت امام است] ای روحانی [اسراسر روحانی را گفته] دانشگاهی‌ها وزیر می‌شوند و آن وقت برس تو تلافی می‌کنند. لاقلاً از آینده‌ات بترس [خوب می‌بینید که نظر ایشان در سابق چطوری بود. و حتی دو سه ماه بعد از پیروزی در خدمتشان بودم به من گفتند ما سابق با طاغوت درگیر بودیم حالا با روحانیت درگیر هستیم... ولی حالا نگاه کنید هیچ‌گاه ایشان اندک خدشه‌ای به روحانیت وارد نمی‌کند مگر دیشب به این چند نفری که آن‌هم در کمیته‌ها آشوب کرده‌اند و گرنه باز به عنوان کلی چیزی نسبت به روحانیت نیست. از تمام این‌ها صدق و درستی ایشان معلوم می‌شود و آشکار می‌شود که امروز به ایشان حالی کرده‌اند که روحانیت در خطر است هم از طرف چپی‌ها و هم از طرف راستی‌ها و چون در خطر است شما این‌طور بگویید. قطعاً این روش ایشان اشتباه است این کار ایشان و این تندبازی ایشان نسبت به خلق‌های مستضعف، نسبت به کسانی که واقعاً در نظام طاغوتی دوش به دوش ما مبارزه کرده‌اند حتی پیش از روحانیت و پیش از ما بودند فداها دادند، زندان‌ها رفتند و شکنجه‌ها شدند این به نظر من درست نیست خدمت شما عرض می‌شود که من در مصاحبه‌ای با اطلاعات عرض کردم که البته چاپ نکرد خوب شما هم نمی‌توانید منتشر کنید بنده نظرم این است که در گوردستان خیانت شد از اول هم خیانت شد اگر از ابتدا دولت شورای انقلاب به گوردستان می‌رسید و عمران و آبادی را از آنجا شروع می‌کرد و پادگان‌ها را محکم می‌کرد ما خبر داریم که خیانت شد در فروردین پادگان‌ها به تصرف اینها در آمد بر سر مسئله گوردستان تقصیر شد باید اینها را بکار می‌گرفتند کنار نمی‌باید بزنند وقتی بکار می‌گرفتند قهراً نظام را از خودشان می‌دانستند و دیگر این شورش‌ها بر سر مسئله گوردستان نمی‌شد بنده پیشنهادی دادم که انجام نشد اگر انجام می‌شد کار به اینجا نمی‌رسید ولی فعلاً را عرض کردم فعلاً ما مرده شما زنده، کار گوردستان را جنگ تمام نمی‌کند الان گمان نکنید آنها شکست خوردند تاکتیک عوض شده یعنی الان در داخل شهر بودن برای آنها ضرر زیادی داشته، رفتند در کوه‌ها اگر در عراق جنگ‌های پارتیزانی تمام شد در اینجا هم تمام می‌شود به نظر من بهتر است الان آن پیشنهاد دوم ما را عمل کنند که من خودم حاضر اقدام کنم پیشنهاد این است که آرامش در آنجا برقرار شود آن چیزی که آنها می‌خواهند یعنی خودمختاری و این‌ها می‌خواهند یعنی خودگردانی هر دو طرف بدهند ما به رأی می‌گذاریم و ناظرهای بین‌المللی هم ببینند که آزادی رأی دادن را ببینند ملت گُرد به هر کدام رأی دادند همان پیاده شود، عمران و آبادانی هم شروع شود بدانید که خلق گُرد نسبت به چریک‌ها، مادر است اگر بچه را از پستان گرفتی می‌میرد دیگر نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد این چریک‌ها اگر بخواهند مخالفت کنند با خواست گُرد قطعاً خودشان خُرد شده‌اند البته در این مختصر نمی‌شود همه را گفت اگر نباشد و از ما خواستند ما قهراً این تئوری و اساسنامه‌اش را تنظیم کرده طبق آن کار می‌کنیم و اینکه می‌گویند تجزیه می‌خواهند خیر نمی‌خواهند بنده التزام می‌دهم که تجزیه نمی‌خواهند و نمی‌توانند هم بخواهند البته در اینجا مطلبی است که دیگر جای طرح آن نیست و جنبه جغرافیائی دارد که از جنبه جغرافیائی حتی حکومت فدرال هم حکومت فدرال هم مناسب کشور ایران نیست چون در این صورت تمام مملکت در هم ریخته می‌شود چه رسد به تجزیه در صورت تجزیه گوردستان نمی‌تواند خود را اداره کند و هیچ گُردی حاضر به تجزیه نیست.

س: بطور خیلی مختصر نظرتان را راجع به سخنان دیروز امام بفرمائید؟

ج: صحبت امام دو قسمت داشت یکی راجع به تجاوزاتی که کمیته‌ها می‌کنند که این را بنده هم دو بار خدمتشان عرض کردم و راجع به بعضی سازمانها که افرادی در آنها نفوذ کرده اند و بدون هیچ قانونی عمل می‌کنند حتی دارند آدم می‌کشند و اموال مردم را چه می‌کنند و از این رو سخنان امام هشدار بسیار درستی بود البته باید به شما بگویم که هیچ وجه این کار تعقیب نمی‌شود مگر یکی دو مورد ممکن است پیگیری شود همانطور که سخنان سال گذشته امام یعنی نوروز سال گذشته که مربوط به تصفیه داخلی حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌های علمیه ما بود، پشت گوش انداخته شد با این که فرمان امام بود هیچ کس به فکر انجام آن نیفتاد حتی ما گفتیم لاقلاً یکبار دیگر از تلویزیون پخش کنید تا مردم آن را بشنوند، ترتیب اثر ندادند این یکی را هم بدانید که پشت گوش انداخته خواهد شد. قسمت اول سخنان ایشان مربوط به این بود که گروهها را کوبید و نقش آنها را مطلقاً در انقلاب نفی کرد همانطور که قبلاً گفتم این در اثر این است که رفتند پیش ایشان و این حرفها را زدند که بنی‌صدر به اینها اتفاق کرده و می‌خواهد روحانیت را کنار بزنند و بعد این‌ها سر بنی‌صدر را شیره می‌مالند و در واقع مسئله امریکاست، امریکا دو باره مثل کودتای ۲۸ مرداد ایران را بگیرد در نتیجه این حرفها ایشان را به این صحبت‌ها وادار کرده‌اند.

از ایشان گلایه هست چون که این گروه‌ها نقش داشتند اینها با همین ملت در میدان‌های جنگ می‌آمدند و همین جوانها بودند وقتی که تیراندازی میشد بقیه فرار می‌کردند یا اصلاً روحانی دیده نمیشد پیرزنها پیرمردها فرار می‌کردند ولی اینها بودند که حتی در مشهد ما می‌گفتیم دور تانکها را میگرفتند و آنها را آتش می‌زدند و سرپازها را خلع سلاح می‌کردند یا مثلاً سابقه اینها در مبارزه با امریکائیها کشتن آن چند نفر امریکائی و زندان رفتنشان شکنجه‌هایشان مثل سعید محسن مثل حنیف نژاد و دیگرانشان که واقعاً فعالیت می‌کردند همین دفاعیه‌هایشان را شما نگاه کنید که به تمام مردم روحیه داد بنده هم می‌گویم نقش داشتند و نباید نقش آنها از نظر دور بشود آنها جزء مردم بودند درست است که این مردم قیام کردند ولی آنها هم جزء مردم بودند البته نوع مردم در روزهای آرامش در خیابان‌ها می‌آمدند روزهایی بود که ما با جوان‌ها با همین دانشگاهی‌ها می‌رفتیم جلوی تانک‌ها و توپ‌ها ولی روزهایی که همه می‌آمدند همان روزهایی بود که آقایان با فرمانداری نظامی تماس می‌گرفتند فرمانداری نظامی اجازه می‌داد بعد این‌ها حرکت می‌کردند صدمه ای نداشت و هر پیرزنی هم می‌توانست بیاید ولی روزهایی که صدمه داشت نوعاً نمی‌آمدند تا جایی که بنده چندین بار روی منبر و حتی همین اواخر می‌گفتم که آخر طلبه‌ها شما پول می‌گیرید و درس‌ها هم که حال نمی‌خوانید چرا در راهپیمایی‌ها شرکت نمی‌کنید؟ چرا ما باید وقتی نگاه کنیم ۲۰ نفر طلبه میان آن همه جمعیت باشد فقط این اواخر کمی زیاد شده بودند که البته روزهایی بود که مورد اطمینان بود و با تماسها راهپیمایی انجام می‌شد و ما این راهپیمایی‌ها را قبول نداشتیم راهپیمایی موثر آن بود که زیر تانک‌ها و توپ‌ها و زیر مسلسل‌ها و گاز اشک‌آورها می‌کردیم و چشمانمان کور می‌شد و همین‌ها مراقب ما بودند که آبلیمو و غیره به چشم ما می‌کردند که من می‌گفتم آقا خودتان چه؟ ولی این‌ها بیشتر به فکر ما بودند این‌ها می‌گویم مرادم فقط مجاهدین نیست آنوقت مثل حالا مجاهد به این کثرت نبود همین جوان‌ها همین دانشگاهی‌ها همان‌هایی که الان یک دسته از آنها مجاهدینی هستند همین جوانها اینهایی که امروز پیش مجاهدین می‌روند این طور نیست که از خارج آمده باشند از آلمان و آمریکا آمده باشند همه این‌ها مال داخلند هیچ‌کدام از این‌ها از خارج نیامده اند همه این‌ها با ما بودند توی میدان‌های جنگ بودند.

س: کلاً در شرایط فعلی جامعه ما آیا کارهای سازمان مجاهدین خلق منافقانه است یا خیر؟

ج: منافقانه نیست به هیچ وجه به هیچوجه منافقانه نیست بدانید کارهای فالانژها منافقانه است ولی کارهای این‌ها اگر درست هم نباشد به هیچ وجه منافقانه نیست چرا؟ چون می‌گویند من اینجا قانون اساسی را قبول ندارم و قبول ندارم، داد هم می‌کشد. منافق آنست که یک چیزی بگوید غیر از آنچه که عقیده‌اش است ولی این‌ها دارند

عقیده‌شان را می‌گویند اما این فالانژها که می‌گویند قانون اساسی پدیده ما است آنرا زیر پا گذاشته اند پس این‌ها منافقند یعنی در زبان می‌گویند قبول داریم ولی در عمل پایمالش کردند که دیدید بنده دیروز نامه‌ای به حاج احمد آقا نوشتم و از ایشان خواستم به امام بگویم که قانون اساسی را حمایت کند قانون اساسی پایمال شد، نابود شد لااقل اعلام کند که قانون اساسی نسخ شده و از بین رفته است از طرفی دیگر می‌بینیم که اینها نسبت به مسائل دیگر نظرشان چطوری است مثلاً مشاهده می‌کنید که موضع آن‌ها نسبت به جنگ گُردستان چقدر صریح و قاطع است. نسبت به تمام موضوعات با صراحت هر چه تمامتر و قاطع‌تر نظر می‌دهند. نسبت به امام خمینی می‌گویند ما ایشان را در خط ضد امپریالیستی‌شان قبول داریم یعنی بعضی از کارهای ایشان را قبول نداریم این صراحت اینهاست کجای این نفاق است؟ در کجا آنچه که در دل دارند در زبانشان نیست؟ آنچه در دلش هست در زبانش هم هست و آنچه در زبانش هست در دلش هم هست. ولی اینها می‌گویند ما در خط امامیم ما امام را به رهبری قبول داریم اما وقتی امام نسبت به آن سه موضوع به بنی‌صدر می‌گوید موافقت شد می‌بینید نمی‌گذارند و جلوی او را می‌گیرند پیام نوروزی پارسال امام که نسبت به اصلاح داخلی اوضاع حوزه‌های ما است جلوش را می‌گیرند و صدایش را هم در نمی‌آورند آنجا پیرو خط امام نیستند ولی آنجا که به میلشان است آنجا که سرکوب گروه‌ها است و جنجال و گشتار دانشگاهی‌هاست خودشان نقشه‌اش را کشیده‌اند و خودشان به آن تمایل داشته‌اند، پیرو خط امام می‌شوند آیا آنها منافقند یا این‌ها؟ کجا نفاق است؟ خدا لعنتشان کند آخر نفاق در کجاست؟ می‌دانید چه کسانی را لعنت کردم؟ همین فالانژها آقا بری البری است، آقا واقعاً عادل است، آقا واقعاً نایب امام زمان است از همه این چیزها مبرا است همین چهره‌ها امام را خراب کردند چهره تاریخی امام را بنده در نامه‌ای که به ایشان نوشتم گفتم آنچه که بنده به آن اهمیت می‌دهم تاریخ شما است اینها تاریخ شما را سیاه کردند تاریخ شما را لکه دار کردند من اینها را می‌گویم اینها منافقند ولی آن‌ها چه منافقی هستند؟ بر فرض اگر بخواهیم در مورد آنها بگوییم باید بگوییم مخالف این نظامند نه منافق، کجا نفاق ورزیدند؟ چه چیزی گفتند که در قلبشان نیست یک نمونه‌اش را شما بگو حتی شما بروید با یکی از این فالانژها مصاحبه کنید و از وی بپرسید چه چیزی در زبان این‌ها بود که در قلبشان نبود؟ یک نمونه بی‌آور، آخر در تفسیر هم می‌گویند منافق کسی است که آنچه در زبانش است در قلبش ضد آن است یک معنای دیگر هم برای نفاق افکنی گفته‌اند که آن اختلاف افکنی است که به این معنا همه گروه‌ها اختلاف افکنند. بنده یک مقاله‌ای در مورد حزب نوشتم و در آنجا گفتم که قرآن احزاب مختلف و متعدد را کوبیده تمام باید حزب واحد آن هم حزب الله و آنهم پیرو مکتب باشند. پس در این معنا همه اینها دارند اختلاف می‌اندازند همه حزبها هیچ فرقی نمی‌کند حزب جمهوری اسلامی، نهضت آزادی، جبهه ملی و تمام آنها مثل همان زمان فرعون که اهلس را شیعه می‌کرد حزب حزب می‌کرد اینها هم دارند بین مردم نفاق و اختلاف می‌اندازند اصلاً نفاق از نفاقه است، به معنای شکاف یعنی فاصله، فاصله درست می‌شود اگر به این معنا است همه اینها منافقند ولی اگر معنای قبلی منافق را مورد نظر دارند آن بیچاره‌ها هر چه در دلشان است در زبانشان هم هست ولی این طرف فالانژها آنچه در زبانشان است ضد آن در دلشان است لذا می‌بینیم هر وقت به نفعشان است پیرو خط امامند و هر وقت به ضررشان بود خط امام را می‌کوبند و می‌گویند خیر مثلاً اگر ما اینجا به حرف امام عمل کنیم از وکلا سلب آزادی می‌شود و... یا هر وقت به ضررشان باشد صدایش را در نمی‌آورند مانند نوار سخنان پارسال نوروز امام هر وقت که به نفع آنها بود پیش را می‌گیرند مثل نوار سخنان امسال امام من برای این کار مثال زیادی دارم.

س: به نظر شما کلاً در این تشنجات اخیر که چماق‌دارها راه می‌افتند با شعارهای مختلف و آزادی را سرکوب می‌کنند آیا حزب جمهوری اسلامی نقشی بطور مستقیم دارد یا خیر؟

ج: بله سران حزب نه مردم که رفتند اسمشان را در حزب نوشتند و توی خانه‌هایشان خوابیده‌اند که ای بسا خبر هم ندارند ولی سران جمهوری در این برنامه‌ها نقش اساسی را دارند بهشتی هم در چند مصاحبه که کرده این مسئله را

انکار نکرده و تنها گفته که شما با چماق زبان اینها را چه می‌کنید و مردم با چماق چوبی [فیزیکی] با شما رفتار می‌کنند. اینها خودشان هم قبول دارند چون خوشان توی کارند اینها اصل کاری هستند و عوامل و واسطه هاشان را که در مسجدها هستند و مردم را تحریک می‌کنند، بنده می‌شناسم در همین شهر مشهد هم دو نفر از سران حزب جمهوری هستند که این را برپا می‌کنند و عوامل آنها هم در مسجدهای کوی طُلاب و ته خیابان و غیره هستند معمولاً و گاهی هم از طریق استانداری و غیره ماشین می‌فرستند به کوی طُلاب که بیایید جهاد کنید سلاح‌ها را برای این کار تهییج می‌کنند که این سلاحها هم آمده بودند پیش من که توبه کنند یعنی با تلفن با من تماس گرفتند که من به آنها گفتم توبه شما اینطوری است که نامه‌ای به رئیس جمهور بنویسید و نوشتند و آمدند و نماینده رئیس جمهور هم آمد و تمام مدارک را برد که بله چماق به دستها را اینها بسیج کرده اند و همه شهرها همینها هستند در شهرهایی که بنده می‌دانم همینها هستند یعنی همینهایی که در حزب هستند مردم را تحریک می‌کنند و این شورشها را به راه می‌اندازند و حزب الله هم در کار نیست حزب الله همین بیچاره‌ها هستند که خیلی هاشان هم عوامند و در همین مساجد هم نماز می‌خوانند و غالباً هم از پائین شهر هستند مثلاً از جنوب تهران و افراد نادر و فقیری هم هستند اینها را تجهیز و تحریک می‌کنند و به جان مردم می‌اندازند.

س: آیا خود گروه‌های سیاسی در این حمله‌هایی که به آنها می‌شود نقشی دارند؟

ج: ابدأ این را هم به امام به اشتباه حالی کرده اند آخر معنا ندارد بنگرید در همین قضیه امجدیه اینها دارند در داخل صحبت می‌کنند و کاری به کسی ندارند و یک عده هم جلوی در گذاشته اند برای اینکه کسی به آنها حمله نکند و پاسبانه‌ها هم که می‌دانید بی اسلحه جلوی مردم را می‌گرفتند و آقای میرسلیم هم گفت از آن طرف آمدند گاز اشک آور و تیر انداختند و چون پلیس‌های ما ماسک ضد گاز نداشتند کنار رفتند مردم هم به جان یکدیگر افتادند این گفته معاون وزیر کشور وقت است آخر به عقل آدم جور در نمی‌آید که من بگویم مرا بزنی اصلاً این حرف معنا ندارد و بعد هم آنهایی که داخل هستند چطور مردم را از پائین شهر تحریک کردند و راه انداختند به طرف آنجا آیا امکان دارد؟ اصلاً تصور عقلی می‌رود که اینها در امجدیه هستند گروهی را در خیابانهای پایین شهر و جنوب تهران حرکت داده و آورده اند آنجا بعد اینها حمله کنند و بعد به روی پاسدارها گاز اشک آور بیاندازند و تیر اندازی کنند و افراد پلیس چشمانشان نبینند و آنها به جان هم بریزند لابد اینها امانند، پیغمبرند لابد با آن ولایت نامه ای که دارند این کارها را کرده اند. این به عقل هیچکس جور در نمی‌آید آیا اصلاً ممکن است که چنین فکری به کله‌ی یک بشر عادی بیاید، به هیچ وجه اینها خودشان دخالت ندارند و این چنین کاری را هم نمی‌خواهند و شما همین الان هم بدانید که اینها بخاطر اینکه شورش نشود خیلی عقب می‌کشند نوعاً عقب نشینی می‌کنند می‌گویند اینها سنگ به داخل امجدیه بردند اگر سنگ و آجر بردند یک نفر می‌دید یا آن امام جمعه گفت که تیر بارکار گذاشتند این تیربار را دیدید که روی تانک و غیره کار می‌گذارند تیربار چیزی نیست که آدم توی جیب بگذارد چطور شد که تیربار را نگرفتید؟ تیربار چیزی نیست که آدم آنرا قایم کند و بعد هم هر جا بخواهید کار بگذارید تفصیلاتی دارد و چیزهایی می‌خواهد و اگر تیربار را ببندند به مردم چیزی باقی نمی‌گذارند یک عدد تیر تیربار بروی جمعیت انبوه صد نفر را تلف می‌کند و از بین می‌برد آخر چرا باید دروغ بگوئید آن هم دروغ به این روشنی؟ اینکه آنها خودشان در این شورشها دخالت دارند مثل همین دروغ است. نخیر این دروغ است و به هیچ وجه آنها خودشان دخالت ندارند.

خیلی متشکرم.